

توفان

ارگان سازمان مارکسیستی توفان

دوره سوم

مزارق تبر از شمشیر زنگ خورده که با نیکو خلق منقش شده است. دفتر انتشارات روزنامه و در امر گرد با چون
آنها در نیم شب است بر پیش رویم
منازلت در حق

اندیشه ما تو سه دون - پرچم عصر ما

لنین بزرگوار در ۱۸۹۹ میگوید:
"ما آموزش ما کس را هرگز نتوانیم بی چیزی تمام و کمال و دست نزد نی تنی شما
روم - برکسها بر این اعتقادیم که آموزشند کورنظ با بد انشی و انهاد ه
است که سوسیالیستها اگر نخواهند از زندگی و پسرها مانند یا بی آن را
در همه جهات به پیش بیاورند."
لنینیسم برآید چه چنین گوشه در اسیانهای بود. نخستین انقلاب
سوسیالیستی جهان در روز پرچم لنینیسم پیروزی رسید.
ساختن سوسیالیسم در یک کشور پیروزی زمین در زیر این پرچم گدست
توانای استالین و حزب کمونیست شوروی در احراز آن بود صورت گرفت
نخستین احزاب پیرو لنینیسم در سراسر کیتی در زیر این پرچم پایسر
صنهادند. ما شایسته هیلری به همه جز این پرچم از یاد آرند.
اما باز نماند که از حرکت باز ایستاد و پیرو لنینیسم جهان از آموزش
دانش خویش در مانده شد. در برابر بر شریک در گداز سوسیالیسم
لیسم و رهائی خلقها از یوغ امپریالیسم مسائل تازه ای مطرح بود
که میبایست با بسط جدید مارکسیسم لنینیسم حل شود. اینجا این
وظیفه تاریخی را اندیشم پر عظمت مائوتسه دون بر عهده گرفتند
امروز با نیروی شگرفه خود در همه نغز میزند و آنها را در رشا هزار روشن تا
روح به پیش میزبانند.
طرا زنده ی نوآوریهای مائوتسه دون در مارکسیسم - لنینیسم
یکی از ظایف خطیر مارکسیست ها - لنینیست هاست. این کاری
است در شمار بسیار دشوار است که در زمانه ما پیرو لنینیسم نقش بزرگی
خواهد داشت.

رفیق لینین میگوید: "آزاد گداز که در دوران ما سلطه یافت حاکم
مرتجع همیشه بر اکثریت پیرو است احزاب انقلابی باید
از حلقه ضعیف سلطه رهایی یعنی از نظامی که سلطه مند کردن
آنجا ضرر میزند بیست استفاده نکنند به وسیله بی کوچک است و هابیه
جنگ پارتیسیپانسی بهره از لنینیسم های انقلابی استوار سازند
تا آنکه پیرو را هر آرزو و آنرا کار آرزو گرد آید. بقیه صفحه ۳

از لیکه رفقای سازمانی و سایر مارکسیستها - لنینیستها و از لیکه
انقلابیین ایران انتظار می رود که طرح "وظائف مردم ووری مارک
سیست ها - لنینیست های ایران" را که به ضمیمه شماره ۴ دوره
سوم توفان منتشر شد مورد مطالعه دقیق قرار دهند و نظریات
و انتقادات و پیشنهادات های خود را بیان دارند و ما را در تکمیل
و رفیع تغییر آن یاری کنند.

آنکس که دشمنه داد و بچلا داد، مرده باد

راههای سوسیالیسم استقلال ملی بود و امروز همگام امپریالیست -
هاست. این امر نمیتواند موجب تازمه جان بهر در ایران نباشد
روزنامه اطلاعات نوشت که یک هیئت نظامی بریاست ارتشید
آریا نا برای مطالعه خرید اسلحه (از محل ۲۶۸ میلیون دلار) به
شوروی رفت است. محمد رضا شاه در صحنه ای با خبرنگار تار ملی
امرا نمود از اعتماد متقابل در کشور نامید یعنی اعتماد متقابل
محمد رضا شاه با کاسیگین و کاسیگین با محمد رضا شاه. چه خوشی
مهربانی هر دو سوسی.

مجلس تصویب کرد که مبلغ ۲۶۸ میلیون دلار در بکار آید. ایران
برای شاه اسلحه خریداری شود. باین مناسبت سیاه خرد
اسلحه را در مصرف ۴ سال اخیر از نظر گداز و انیم
مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار از آمریکا
از انگلستان
از شوروی
از همان اسلحه فروشان و شرکا
(از جمله امپریالیسم
فرانسه)

شاید شوروی در معامله جدید ایران برنده نباشد زیرا که دولت فرا -
سهه در این مورد رقیب اوست. ولی آنچه مهم است فظان بی معامله
مشخص نیست. آن سیاست کلی کشوری در هر صحنه با ایران بر
گزیه مهم است. انگیزه و در معامله گدازهای سیاسی بین المللی مهم است
مهم نیست گداز دولت کنونی شوروی به رژیم کودتا به رهبری سفاک خود
خته سیاسی آمریکا به رژیم کخلی که خلق را خون کشید و آزادی و استقلال
کشوری را فروخته و رژیم ککانون ارتجاع در خاور میانه است. کمسیا -
سی و اقتصادی و نظامی میسازند. اگر در نظر بگیریم که روزیونیستهای
شوروی قمار لیبهای نواستعماری خود را در زیر نقاب سوسیالیسم
انجام میدهند اگر در نظر بگیریم که هنوز ما هیت آنها بر همه روشن
نیست آن وقت آشکار میشود که نقش آنها چه نقش زیانمندی است.
روزیونیست های شوروی علاوه بر اسلحه گدازست محمد رضا شاه
میدهند کوله های شکر آردی نیز در زمینها پدید آورده اند. سیاست و
فرهنگ به سینه ملت ما نشان میروند. کار تا نکتوتوب امپریالیستها
خطرناکتر است. روزیونیست های شوروی روح ملت ما را آماج گرفته
اند. مدتی که ریاست محمد رضا شاه میسر آید آب ورنکی که با
صانع استعماری میزند راه سلامت آیزی که بزبان خود و بی زبان

ملت ایران در این سیاه هغه فقط چه مردم و تخم محمد رضا شاه را
می بیند که با چه قساوتی برای کشتار خلق ایران و خلق های انقلابی
همسایان اسلحه نیا میکند بلکه رشا همد و تخم پرورانی را نیز
شاهد مینماید که با زوری محمد رضا شاه را برای چنانا با مردم کشته
مسلح میسازند. در این سیاه میتوان آن کسرسیوم پیروسی و نا
مرفی ولی واقف را که از اسود ارگان مرگ تشکیل شده و بر سر استقلال و
آزادی ملت ایران با محمد رضا شاه معامله میکند بعیان دید.
در این میان نام امپریالیست های آمریکا و انگلستان و فرانسه دیده
میشود که بی است در استقلال شکنی، غارت و قتل عام خلقها
سابقه دارند. شرکت آنها در چنین کسرسیوم امپریالیستی است
ولی نام دیگری نیز در این سیاه هغه نمانی میکند آن نام دولت شوروی
است. دولتی که در آتش مبارزه امپریالیست های آمریکا و انگلستان،
فرانسه و غیره و پیروانم بهر چه وجود نهد دولتی که روزی ستاره

روزیونیستهای ایران
هنوز چشم امید به دولت های رژیم کودتا دارند.
به نایب آنها خطاب به هید، نخست وزیر (متحد در شماره
۲۹ روزنامه مردم) توجه کنید: "امید است با توجه به سوسو -
لیت خطیری که در برابر ملت ایران بگردن گرفته اید... از
اقدام در بر طرفی ساختن محیط سخت کنونی و استقرار آزاد بیگنا
سیاسی و اجتماعی صرح در قانون اساسی دروغ نخواهد ورزید"

شریک در رفیق قسافله نیست
"اگر هر کشور میتواند همسایه خویش را انتخاب کند در آن صورت
ما شمارا انتخاب میگردیم."
این سخن مغالزه آمیز را محمد رضا شاه در دو سال پیش در خانه
دوستی شوروی و ایران در مسکو در خطاب به نمایندگان اتحاد
شوروی بر زبان راند. این سخن صریح از هر تفسیری بی نیاز
است. محمد رضا شاه اتحاد شوروی را بر میگرداند. یا باید گفت
که محمد رضا شاه کمونیست و دست کم هوادار رژیم سوسیالیستی
است و یا باید گفت که دولت امروزی اتحاد شوروی سوسیالیستی
نیست و حتی هوادار رژیم کودتا است. شق سومی نمیتواند وجود
داشته باشد.

محمد رضا شاه چه مثنای بی بین نیت مرد پکشانه خود و سیاست
اتحاد شوروی یافته که این همه شوره طلافه از دل او نسبت اتحاد
شوروی زبانه کشیده است؟ یکی از براهین حقایق دولت سوسیالیستی
سوسیالیستی این است که امپریالیستها و مرتجعان جهان از او در
گریزند و پیوسته در کمین جان او نشسته اند. و اینک یکی از شواهد
تعمیرا هیت دولت شوروی همین است که امپریالیستها و مرتجعانسی
چون محمد رضا شاه با وری میآورند و در سایه او میآیند.
روزنامه ایروستیا ارگان دولت شوروی که سخن فوق را از قول شاه
ایران در شماره ۲۷ اکتبر ۱۹۶۷ نقل کرده است در ورنکتوری -
بط ایران و شوروی را - با توسل به نوشته مجله تهران مهر -
"عصر طلایی مناسبات ایران و شوروی" مینامد. مجله تهران
مصورا همه میسازند که یکی از ننگین ترین مطبوعات ایران است
و سالها بد شمنی با شوروی مشهور بوده و صفحات بسیار در تبعیت
واقفانه به سوسیالیسم سیاه کرده است. اینک چه شده است که
نه فظان مجله از فراسیدن عصر طلایی مناسبات ایران و شوروی
به وجد و حال در میآید بلکه روزنامه ارگان دولت شوروی از او
بعنوان مطبوعات معتبر و زبان خلق ایران یاد میکند؟

روزیونیستهای ایران که در توجیه روابط کنونی شوروی و ایران
دچار گیجی و سرسبکی شده اند گاهی باین تفسیر دست میزنند
که تغییر روابط مذکور در اثر تغییر تناسب قوا در صحنه جهانی
پرتوق پیوسته عامل عبده آن پیروزیهای بزرگ سیاسی شوروی بوده
و محمد رضا شاه حتی الامکان در جلوی آن ایستادگی کرده تا آنکه
بالاخره بآن تن در داده است. اما روزنامه ایروستیا که دلش
برای روزیونیستهای مستاصل ایران سوخته است یکبار به پشتپا
باین توجیه میزند و مینویسد: "در توسعه حسن همجواری ایران
و شوروی، شاهنشاه محمد رضا به لوی رئیس کشور ایران نقش مهمی
بازی کرده است." و از همین جهت روزنامه ارگان دولت شوروی
و همچنین روزنامه پراوا - ارگان کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی
روز - روز آبان را صراحت "عید ملی" ایران مینامند و پراوا
مانند پیروانترین روزنامهها خبر میدهند که امسال روز مذکور است
تا جگداری مصادف شده است!

روزیونیستهای ایران که هنوز خود را به قبول افکار عمومی نیازمند
میدانند در تائید اقدامات نواستعماری و عواقر بیانه حکومت محمد
رضا شاه عموماً احتیاط قدم بر میدارند و قیود و شروطی بکار می
برند و عباراتی از نوع: "اقدام مذکور مثبت است... ولی..."
اختراع کرده اند. اما روزیونیستهای شوروی که در جلب خاطر
محمد رضا شاه و شرکت در استعمار ایران، شیفتهوار به پیش می
تازند کمترین توجهی باین نیازمندی
بقیه صفحه ۳

زنده باد حزب کمونیست (مارکسیست-لنینیست) فرانسه

دومین کنگره مارکسیست ها - لنینیست های فرانسه از ۳۰ تا ۳۱ دسامبر ۱۹۶۷ تشکیل شد و حزب کمونیست (مارکسیست لنینیست) فرانسه را بنیاد نهاد. این پیروزی بزرگی برای طبقه کارگر فرانسه است و در جنبش کمونیستی جهانی اهمیت بسیار دارد.

حزب کمونیست فرانسه که روزگاری یکی از گردانهای پیشاهنگ پرولتاریای بین المللی بود بتدریج گرفتار پدیده های ریزویی نیستی گردید و آنگاه که ریزویی نیسم معاصر بر حزب کمونیست شوروی غلبه کرد بی نیز یکباره در باتلاق ریزویی نیسم در غلظید و در واقع رهبران ریزویی نیست حزب کمونیست فرانسه را باید از پایه گذاران و پیروزی کان ریزویی نیسم معاصر بشمار آورد. آنها بودند که پس از جنگ دوم جهانی تحت تاثیر تاکتیک موند پانسه جدیدی که پیروزی ناتوان شده فرانسه و برخی دیگر از کشورها اروپای غربی در پیش گرفته و عدوهای از کمونیستها را منظور حفظ خود در برآوردن دولت پروروشائی گرد آورده بود شعرا را سرخسخت راه مسالمت آمیز، راه پارلمانی نبل بحکومت را مطرح ساختند. آنها بودند که ناسیونالیستهای اروپای غربی را که بعد از جنگ بحاضر حفظ تقویت پروروشائی صورت میگرفت تقدیر کردند و موجب کمراهی خلق و تسهیل مانورهای پروروشائی شدند. آنها بودند که برای پیشبرد مقاصد پارلمان تارینی خویش برآه بند و بست وحدت غیر اصولی با عناصر پروروشائی رفتند و مرز میان حزب کمونیست و احزاب پروروشائی و خرده پروروشائی سوسیالیست و سوسیال دموکرات را زدودند. آنها بودند که در این راه به اعتراض از مبارزها امپریالیسم آمریکا تن در دادند و پرچم ملت فرانسه را در مبارزه بر علیه بزرگترین دشمن استقلال ملل از دست نهادند. آنها بودند که بانواع بهانه ها از منافع مستعمراتی امپریالیسم فرانسه دفاع کردند و پشتیبانی قاطع جنبشهای ملی در مستعمرات فرانسه باز ایستادند. آنها بودند که بجای مبارزه در راه پیروزی خلقی و تمام شعار سازشکارانه جونسون پسند صلح در ویتنام را با بیخیز کشیدند. آنها بودند که از آریستوکراسی کارگری فرانسه به مثابه تکیهگاه امپرونیسم و ریزویی نیسم استفاده کردند. آنها بودند که سازمان حزب کمونیست فرانسه را تا درجه دستگا پیوروکراتیک تنزل دادند. آنها بودند که سازمانهای توده های را بصورت افزار بند و بست سیاسی خویش در آورده اند. نقشی که آنها در جنبش کمونیستی جهانی در دفاع از ریزویی نیسم خروشچی در ریزی خویش خیانتهای ریزویی نیستها و در ایجاد تهمت و افتراء بر احزاب مارکسیستی - لنینیستی بازی کردند یکی از زشتترین نقشیهاست.

با آنکه طبقه کارگر فرانسه را متاسفانه در اثر رهبری این ریزویی نیستها خاکستر ریزویی نیسم و سوسیال دموکراسی قرار گرفته است بتدریج مارکسیست ها - لنینیست ها در برابر خیانتهای عظیمی که نسبت به خلق فرانسه انجام میگرفت تقدیر علم کردند. کار آنها در اثر رخنه ریزویی نیسم و سوسیال دموکراسی در طبقه کارگر فرانسه و در اثر نفوذ حزب ریزویی نیستی و نیز در اثر خرابکاری عوامل امپریالیستی بسیار دشوار بود. ولی آنها که سلاح پیروزی بخش مارکسیسم - لنینیسم مجهز بودند از دشواری نهراسیدند. مارکسیستها - لنینیستهای فرانسه در تاسیس حزب خود عجله نشان ندادند بلکه نقشه تدارک وسیعی برای این امر خطیر طرح کردند. نخست "محافل مارکسیستی - لنینیستی" در نقاط مختلف فرانسه بوجود آوردند و سپس طی کنفرانس خاصی "جنبش مارکسیستی - لنینیستی فرانسه" را برپا ساختند که نخستین کنگره خود را یکسال و نیم پیش از این و دومین کنگره خود را در ۳۰-۳۱ دسامبر ۱۹۶۷ تشکیل داد و حزب کمونیست فرانسه را در کنگره اخیر بنیاد نهاد. در این مدت مارکسیست ها - لنینیست های فرانسه از همه جانب مورد حمله و هجوم امپریالیسم و ریزویی نیسم و ارتجاع قرار گرفتند. از یک سو حزب ریزویی نیست در بنایم خبری عده کبیری از کارگران و با استفاده از پست ترین شیوه های فاسد شیستی بجارزه بی پرستی بر علیه مبارزان راه مارکسیسم - لنینیسم پرداخت. در پی پراکنی، زدن و مجروح کردن کارها و اعضاء جنبش مارکسیستی - لنینیستی پیش بر مجامع آنها، و چون بیاروگرین شعارهای انقلابی و پرچم سرخ آنها در تظاهرات مختلف عده

ترین شیوه مبارزه ریزویی نیستها بود و هست. حتی در کنگره اخیر نیز فعال ریزویی نیستها با طمانجه به محل کنگره حمله ور شدند و یکی از اعضاء کنگره را زخمی کردند و فرزند دبیر حزب کمونیست فرانسه را زود نند در طی سه سال اخیر گروههای رنگارنگ دیگری نیز که بقصد فتنه انگیزی گمراه ساختن خلق و انضحاب در جنبش مارکسیستی - لنینیستی بظاهر پرچم مارکسیسم - لنینیسم افراشته بودند و در عمل در کنار جناحی از پروروشائی فرانسه جاسی داشتند همراه با ریزویی نیستها جنبش مارکسیستی - لنینیستی را مورد دشنام و اتهام قرار دادند. تشنج روسی آنها پیروزمیراز تشکیل کنگره و دوپارکسیستها لنینیستها بظهور رسید. در این موقع حملات آنها بر حزب کمونیست فرانسه از حملات ریزویی نیست ها هم درنده تر و کینه اتر بود. از سوی دیگر در طی این چند سال در داخل جنبش مارکسیستی - لنینیستی افرادی از عاال دشمن، از عناصر ماجراجو و فرصت طلب پیدا شدند که خواستند آنها را از درون تسخیر کنند. روشه کن کردن آنان نیز یکی از مبارزات مهم مارکسیستها - لنینیستها بود. در طی این چند سال انحمار داران فرانسوی که بانگ مارکسیستها لنینیستها را اصولی در ناقوس مرگ خود میسرند بوسیله دولت و سایر ایادی خود پیش به تحریک در جنبش مارکسیستی - لنینیستی دست زدند و در حالیکه از راههای مختلف به ریزویی نیستها یاری میرسانند، با آنها در کوبیدن جنبش مارکسیستی - لنینیستی هنگام شدند. اما مارکسیستها - لنینیستها از پای نشسته و رفتن بمیان توده ها و روشن ساختن آنها را وظیفه مرم خود دانستند. آن کارگر مارکسیست لنینیست که در یوز مورد ضرب و جرح رفتاری بی خبر و تحریک شده نبود قرار گرفته بود فردا بسراغ هانتها میرفت و بحث رفیقانه را از سر میگرفت. آن کارگر دیگه بچرم دعوت کارگران مبارزه مؤثر - بدستور ریزویی نیستها از اتحاد بخل خارج شده بود و برده اخراج خود را میتوان ستند جدیدی بر علیه ریزویی نیستها بمیان کارگران میرد.

در این جریان روزنامه "هوانا تیه نوین" بعنوان پرچم مبارزه در آغاز سال ۱۹۶۵ قدم بر عرصه گذاشت. این روزنامه در جدا ساختن مارکسیسم - لنینیسم از ریزویی نیسم و در دفاع از آن و کوبیدن مینهد و تلمب میکند.

زیرا که ریزویی نیسم مخالف دیکتاتوری پرولتاریا، براندازنده دیکتاتوری پرولتاریاست، بدروغ از دولت همه خلق که هرگز وجود نداشته و نخواهد داشت و چیزی جز فریب پروروشائی نیست دم میزند.

زیرا که ریزویی نیسم سازمان برافکن حزب پرولتاریا است، شریکها بهای حزب پرولتاریا را می جوید، آنرا تحت عنوان "حزب همه خلق" به حزب پروروشائی تبدیل میسازد. زیرا که ریزویی نیسم دشمن کن تروزارها و انقلاب اکبروشنی انقلابی اقتضای آمیز خلق شوروی است.

زیرا که ریزویی نیسم اصل هدف سائترناسیونالیسم پرولتاری را برنانه خود ستود و موافق چرکین همنیستی سالتامین امپریالیستها ویا تجار و کارکن آنها را بجای آن گذاشته است.

زیرا که ریزویی نیسم دشمن انقلاب است و همراهی امپریالیسم آمریکا شاتراواتی را وسیله خاموش کردن جنگهای عادلانه ساختاست. مابا ریزویی نیسم دشمنی پر وجود آنرا فرقه چرکینی در بدن جنبش کمونیستی جسم سانی میدانیم.

زیرا که ریزویی نیسم نتیجه هانتیرواید تئولوژی پروروشائی در جنبش کمونیستی است و عامل پروروشائی در این جنبش است، از آنکه ما هرین است و از آن جزئیگی نیز باید. دشمنی مابا ریزویی نیسم دشمنی در فروختن اصول است و رنحای پرورک نیست در روشهاست.

ما خیانتهای روزی که ریزویی نیسم را پدیدهای تصادفی و قابل جلو گیری نمیدانیم بلکه آنها را ناشی از ماهیت ریزویی نیسم و اجتناب ناپذیریم میسازیم.

وظیفه مارکسیست لنینیستهاست که مواضع آید تئولوژیک ریزویی نیسم را همزمان بکوبند و با افشاء خیانتهای روزانه ریزویی نیستها

این در بخش اندیشه مائوتسه دون و در اشاعه اخبار مبارزات خلقهای آسیه در افشای روزانه ریزویی نیستها در همه زمینها نقش بزرگ و پر افتخاری بازی کرده و میکند. "هوانا تیه نوین" مظهر مارکسیسم - لنینیسم بیگارو است و شاقول بنای حزب مارکسیستی - لنینیستی است و انعکاس دهنده و تعمیم دهنده تجارب توده ها است.

نهضت مارکسیستی - لنینیستی فرانسه با طی این مبارزات و با تدارک وسیع به کنگره دو خود رفت و حزب کمونیست (مارکسیست لنینیست) فرانسه را بنیاد نهاد. حزب کمونیست فرانسه حزب اصیل پرولتاری و انقلابی است، همزه از رسالت خرد پروروشائی و رفویسم ریزویی نیسم است. حزب لنینی طرازترین است، حزب دویز آندیشه مائوتسه دون است. این حزب در زندگی طبقه کارگر و همه خلق فرانسه و همچنین در جنبش پرولتاریائی جهانی نقش مهمی برهنده دارد.

ماناسین آنها به طبقه کارگر همه همتگیشان و همه مارکسیستها لنینیستهای فرانسه تهنیت میگوید.

زنده باد حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه! برافراشته باد پرچم پیروزگر مارکسیسم - لنینیسم!

بسیاری از روشنفکران انقلابی چین باید به لزوم یکی شدن دهقانان پس برنند. دهقانان به آنها نیازمندند و از آنها چشم یاری دارند. آنها باید با شور و شوق پروروشائی برسوزند، لباس دانشجوئی را بدر آورند، جامه زنجیر دهقانانسی بپوشند و به همکاری هر قدر هم پیچیده با آنها افتخار به شامدتن در دهند. آنها باید خواستهای دهقانان را در یابند و به آنان کمک کنند که با خیزند و به منظور مبارزه در راه انجام انقلاب دموکراتیک در روستا گسه از مهم ترین وظایف انقلاب دموکراتیک چین است متشکل گردند.

(مائوتسه دون)

مدافعان نازک کار ریزویی نیسم

نشان دهند که آن مواضع آید تئولوژیک نتیجه دیگری جز این مواضع سیاسی خیانتهای بارنمیوانند داشته باشد. این خیانتهای جزید دیگری جز خدعت با آن آید تئولوژی نیست.

در اینجا بویاریا بد بصراخ و فاعی تجربی از ریزویی نیستهای ایران تودمگرد و آنها را ناخاست آخران را می در آورد. این ریزویی نیستها در برورد باتوده های ریافته اند که آنگار ریزویی نیسم در نمیتوان از همه خیانتهای ریزویی نیسم سازمان جمله رابیران عهوان آری کرد. از این جهت شیوهان غیرا رژیوشیست اول چا کاران ریزویی نیسم برگزیده اند. اینان بمنظور تسکین چشم مردم را سازمان از این عمل ریزویی نیستیهای شوروی و جهان رت میرویند و حتی در این میدان که برب می آورند و با زمین میگردند و آنگاه که بائی در صفوف مستعان برای خویش یا زگر تدباین استدل فریبند ه دست میزنند که اینها همه اشتباهات راست محطای منفرد است، اینها است و زاید نکوگاست این با آن سیاستدار است و ناشی از ماهیت ریزویی نیسم نیست. مشور ریزویی نیستی های شوروی صحیح است اگرچه این اعمال نشان قابل انتقاد است. این اشخاص وقتی که سخن را با اینجا رسانند هرگاه در رشتند خود آما درکی ببینند آهسته آهسته طیفها انتقاد را بسوی جنبش جهانی مارکسیستی - لنینیستی بسوی حزب بزرگ کمونیست چین که پرچم از جنبش است برومیگردانند.

این اشخاص خطرناکترین مدافعان ریزویی نیسم اند، دستگیر روزگار بحران وی اند، ریزویی نیسم با آنها پدید ما عاضو تلکبید به هم میزند و انتقاد چشم آکین آنها را با نسیه رفتن بر میگرداند و بتدریج که جنبش مارکسیستی - لنینیستی ایران نیروی میگردند عادی از آنها را بسوی این جنبش میسازند. و طبقه ایان آری بشکری ریزویی نیسم و جای گرفتن در صفوف مارکسیستها - لنینیستها و با اقل در کنار آنها است. باید نهضت مارکسیستی - لنینیستی را از اینان برزد داشت.

ازوفتنام . . . بقیه از صفحه ۱ مد اخله کران امیرالیست جنگگیر
میهنی و خلق کبیر زمین ملی بیست و پنج سال جنگ انقلابی خود نموده
های درخشانی از این خصائل بدست نهاده اند ؟ بعضی از
اپورتونیت های جزئی خود را بر این برای طرف جنگ انقلابی کاهی به
قضا و استجابات تونسل میجویند که گویا خلق ایران تاب و توان جنگ ولایی
ندارد . " خصیصه روحی " وی گویا چنان است که با بی باک خیریه
پیروزی نائل آید و گرنه شور و شوق در روی دهری نمی باید و چندی
نمیگذرد که با موشی میکراید . خلق ایران گویا مانند آتش است
کمیکیارگر میگرد و لحظه ای بعد هم خاوش می شود . تاریخ گذشته
میبیند ما بر این قضا و استجاب خط بطلان میکشد . برخی از آنان
نیز آنرا نقد کبیر و نمانند و دریافتند که همه جا انبیا از خارج نمیتوان
بجنگ انقلابی دست زد .
آنها را واقع عامل خارجی و احاطه گسرنوشت خلق ایران میسرند .
واقعیت نیست که آنها بی خود همای خلق ایران اصحاب نوازند و
با این حقیقتها ورنه از آن کبیر خلقی در هر در شکلی میتوان یافت آمد
انقلاب ایران از جنگ انقلابی میگردد و کوشش و پیروزیست که در
جلوگیری از آن جانی نخواهد رسید .

پیروزی خلق ویتنام پیروزی ما رکیسم لنینیسم پیروزی پیروزیست
پیروزی بزرگ جنگ انقلابی است که رفیق مائوتسده و هر گرجینه
مارکسیسم لنینیسم افزود ماست .
پیروزی خلق ویتنام در این جنگ انقلابی در ای اهمیت تاریخی است
و مرحله نوی را در تاریخ مبارزات خلق های منطقه قفقاز و آواز
آنچه کورما در مبارزه علیه امپریالیسم در ایران امپریالیسم
امریکا خواهد بود . برای خلق ایران که در زیر کار بوسه شستناک
روم کور تاود و لند مستنشاندای نظیر در ولایت تالی نکونین
و پیروزی نشینان آن دست میزنند برای مارکسیست
لنینیست های ایران که هنوز پیروزی نکرده اند تا سافنا انکون کاری
بخاطر فاعمال از خلق قهرمان ویتنام پیروزیست . اما مارکسیست
لنینیست ها و کلیه سازمانها و عناصر انقلابی ایران باید از جنگ
انقلابی ویتنام و زنجاری این جنگ کورس گزند زیرا در ایران برای
رهائی از یوگوشیست ها که دست نشاند ما امپریالیسم در ایران شاه
و برای ریشکون کردن نفوذ امپریالیسم و ارتجاعی هر چه جنگ انقلاب
بی و پیروزی انقلابی میگردد . راسی نوین نیست ، باید
از هم اکنون خود را برای آن آماده ساخت .

شریک زد . . . بقیه از صفحه ۱ روپوزیونیست ها ندارند و تا
کنون صدها بار بر سر این " ولی " ها خط کشیده اند . با این شنا
خواستنی قید و شرط روزنامه ایروستیا توجه کنید :
" مردم شوروی با علاقه زیاد و هواداری صمیمانه به تحولاتی که
اینگ در ایران میگذرد به نقظه های اجرای اصلاحات ارضی
به توسعه صنایع ملی به مبارزه با بیسوادی به واداری حقوق
سیاسی بزنان مینگرند . . . اظهارات شاهنشاه در نطق
افتتاحیه مجلس ایران مشعر بر اینکه ایران در موضع سیاست
مستقل ملی قرار گرفته و بر آنست که مناسبات میان دولتها باید
بر روی اصول همزیستی صالحت آمیز و تحکیم همکاری متقابل
بناشود در اتحاد شوروی با خشونتی تلقی شد . . . خلق
شوروی به کوششهای ایران در راه ایجاد اقتصاد مستقل ملی به
چشم نگاه و هواداری میگرد . "

انتخاب " سیاست مستقل ملی " و کوشش در راه " ایجاد اقتصاد
مستقل ملی " بهرزی نسبت داده میشود که هر گوشه ای از ایرنا
و هر بخشی از اقتصاد ایران را یکی از امپریالیست ها بویزد
به امپریالیسم امریکا پیش کش کرده است ، روزی که با کودتای
امریکایی مرداد ۱۳۳۲ برپا شده است از بی که فقط برای ابطال
قانون ملی کردن صنایع نفت و برای امضا نخستین قرارداد
راهزانه با کسرسوم نفت جنوب ده ها میلیون پیرانی را
بهای چوبه اهدام و صد هشتاد از بهترین فرزندان ایران را به
زندانی و شکنجه گاه فرستاد ، روزی که هر قدر من در راه خیانت
بمنافع ملی است .
انگور روپوزیونیست های شوروی - بقل روزنامه ایروستیا " باعلاقه
بسیار و هواداری صمیمانه " چنین روزی مینگرند زیرا که ایسن
روزی برای آنها نیز از این نمذ کلاهی ساخته است .
واقعیت تلخ تاریخی را باید دید . حکومت شوروی که تا پیش
از تسلط روپوزیونیست ها بعلت ماهیت سوسیالیستی خود و سیاست

اندیشماتکو . . . بقیه از صفحه ۱ و شمیج در طی مبارزه
ای ضامدی به پیروزی کامل در انقلاب نائل آید . پس یکپیر ترد هما
ایجاد با یکا های انقلابی در روسیا و حاضر همها از اندیروستا ،
اینهاست آن روزی که تاریخ کبیر در صرا مطابقت با خلقهای مستعدیده
جهان در مبارزه مسلحانه برای تسخیر قدرت باید در روند نظرقرا ردهند
و موقع اجراء را روند . "
آنکاهلین بیا فومیکوید : " رفیق مائوتسده و لنینیسم و انفظ در مسئله
تسخیر قدرت بوسیله پرولتاریا پیروزی خلق روسیه و اده
بلکه آنرا در مورد بهترین مسئله عصر یعنی تحکیم دیکتاتوری
پرولتاریا و جلوگیری از اخیاسم سرمایه داری و پیروزی خلق و دوران
سازنگام بخشید ماست . . . احیای سرمایه داری در اتحاد شوروی
و برخی دیگر از کشورهای سوسیالیستی ، بزرگترین رسی است که از اینجا
سال اخیر تاریخ جنبش کمونیستی بین المللی میتوان گرفت . ما این و -
قعیت در ناک این مسئله را فراموش نکنیم . لنینیست های
جهان بطور نمایان مطرح میسازد که چگونه باید دیکتاتوری پرولتاریا
و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و بی پایان رساندن انقلاب
و تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا .

آنکس که در شنه دار . . . بقیه از صفحه ۱ حتی یکی از روپوزیونیست
های ایران در تاریخ سیاست خروشجوی همزیستی صالحت آمیز
(در شمار خرد از ۱۳۴۲ روزنامه مردم) در واقع عملیات رژیم ارتجاعی
ای ایران را معلول جنگ سرد " و خطر تجاوز " دانست و اظهار نظر
کرد که " جنگ سرد " و " خطر تجاوز " باعث میشود که " روپوزیونیست
ای در کشورهای گسرنده به پناه " حفظ استقلال آزادی های مردم چرا
با بیال سازند و پیشانی ملی وضع استعما روی را کسوا هان نشدیده
مبارزه بر ضد امپریالیسم و تحکیم دیکتاتوری و همکاران را بر و گاه
سوسیالیسم هستند بعنوان " مخالفین مصالح ملی " سرکوب کنند . "
ولی ملت ایران بچشم خود می بیند که هر چه " خطر شمال " مترفع تر
هر چه جنگ سرد " میان ایران و شوروی سرد تر ، هر چه روپوزیونیست
با محمد رضا شاه گسرنده ، آزادی مردم ایران با مال تورسکوب
جنبش ملی و ضد استعما روی در زمین ما وحشیانه تر شود . زیرا که -
برخلاف دید روپوزیونیست ها - این پدیده ها زائید ما نیست رژیم
است و وابسته وجود جنگ سرد و گروپهای خطر شمال و جنبش نیست .
روزنامه های اروپائی خبر میدهند که ایران قسمتی از نیروهای مسلح
خود را کمیته شمال مستقر و تند جنبش استقلال داد تا پس
از آنکه ارتش انگلستان خلیج فارس را ترک گفت و توانست در سرکوب
نهضت خلق های عرب و قفقاز بگیری و بر علیه ولت های که اتحاد
شوروی با آنها نیز اظهار ارا در استخولص میکند یا رومد دکار مرتجعانه
نی چون ملک فیصل باشد .

این یکی از تاریخ مستقیم بهیود روابط شوروی با محمد رضا شاه است .
همچنانکه امپریالیست های امریکا همیشه گرمی دوستی و همکاری
در ولت شوروی میتوانند از ترشخورد و از آلمان همی فراخوانند و جنگ
خلق قهرمان ویتنام بکشاند دولت ایران را اثرات شوروی
اسلحه فروشی دولت شوروی فقط در سرکوب جنبش نجات
بخش ملی ایران تشویق میشود بلکه ارتش خود را در راه اسارت
خلق های دیگر نیز نگرمی اندازد .
عبرت آوراست که روپوزیونیست ها کتاب لولی در روغین " نمایانند وین
اسلحه بدون ارتش و بدون جنگ " را با لار فاند در عین حال دکان
اسلحه فروشی گسند باند .
خند ماوراست که روپوزیونیست ها که همرا امپریالیست ها رژیم های
ارتجاعی نظیر رژیم ایران را تا دندان مسلح میسازند در عین حال
راه مسالمت آمیز و گذار مسالمت آمیز را به خلق های جهان موعظه
می کنند ، زیرا که ناپاه درک خود مها اعتقاد ندارند هر چند که
توده ها را همیشه میتوان فریفت . ولی توده ها و آزان جملضود مگا
مردم ایران در س میگردند ، می آموزند که برای مقابله با زدان مسلح
باید مسلح شده زورسوزینزه را باید با زورسوزینزه روبرو ساخت .
برای رعایت خلق ایران از استبداد و استعما در ارتش را بطکونی
راه دیگری جز راه قهرآمیز وجود ندارد .

خارجی انترناسیونالیستی خود از مهر زحمتکشان جهان و کین
مرتجعان جهان و از آنچه محمد رضا شاه بر خورد ابرود اینک
بعلت تغییر ماهیت خود و سیاست خارجی شوینستی و سوزجود
یانه خود از نوازش مرتجعان جهان و آنچه محمد رضا شاه بر
خورد ار است و بالنتیجه نصیبی جز از زنجار زحمتکشان جهان و
از آنچه ایران نخواهد داشت .

این رفیق مائوتسده وین آموزگار و بزرگترین رایی جهان در عصر ما است که در
شرا یطنا ریخی نوین در قیاطر زنده و جریته ریخی دیکتاتوری پرولتاریا رایی
بین المللی بر داشته نشاد های جامعه سوسیالیستی را بطور علمی
تحلیل کرد و قرن این مبارز طبقه ای در جامعه سوسیالیستی را بوجهی
نافذ مطرح ساخت و مجموعه ای از تئوری ها ، اصول ها ، اسلوبها
و موازین سیاسی در مورد ادامه انقلاب در دیکتاتوری پرولتاریا
پرداخته است . صدر ما فو با نیروی مهنی شگفت و با خرد متزک
خود نخستین انقلاب فرهنگی پرولتاریائی در تاریخ را پیروزند اند
رهبری کرده است و این امر بوجه باری نشان میدهد که مارکسیسم
لنینیسم در تکامل خود بمرحله اندیشه مائوتسده دون گامها راه
است . پیروزی انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریائی در چین که
یک چهارم جمعیت جهان را در بر میگیرد کنشده راه درخشانی
است که تحکیم دیکتاتوری پرولتاریا و بی پایان رساندن انقلاب
سوسیالیستی را ممکن میکند . "
رفیق لین بیانو نتیجه میگرد :
" جهان به پیش میرود . تئوری که انعکاس قوانین حاکم بر جهان
است نیز پیوسته تکامل می یابد . اندیشه مائوتسده وین پرچم
عصر ماست . "

هفتمین کنگره . . . بقیه از صفحه ۱ تحقق خط مشی توده ای
در گذار اسون برداشت .
بن بست که کنگره هفتم دچار آن گردید دارای یک جهت منفی
است و آن این که امید پیروزی کامل این کنگره را بر آورد نکرد و کار
آنها چند ماهی به توقیف انداخت . جهت دیگر این مسئله
نشانه غنی تر شدن جنبش نشانه رشد نیروها است . نشانه آن
است که جنبش دانشجویی چنان مرحله ای از رشد رسیده که حل
ضر نیست مشکلات و تضاد های دورنی خود را سرشود که اشته
و حل آنها را تنها بعهده رهبری جنبش واگذار نماید . بن بست
اخیر مسئله ای تعادلی نبود ، بلکه ریشه خود را در رون جنبش
دارد . تکامل و رشد کیفی جنبش مسائل جدیدی را در امور بیسن -
الطی و فرهنگی ، انتشارات و غیره بوجود آورد است . بر خورد
با این مسائل جدید با موضوعهای گوناگون و از زاویه دید های
مختلف صورت میگیرد . راه حل های پیشنهادی برای حل آنان
نیز گوناگون است . کنگره اخیر نشان داد که جنبش دانشجویی
بمسائل خود با دلسوزی و بقت صداقت میگرد نشان داد که در
پیروهای دانشجویی آنچنان است که حل صوری و مکانیکی مسائل
عده خویش تن در نمیدهد ، بلکه خواهان بردن مسائل پیمان
توده ها و حل آنها از طرف توده های دانشجویی است . کنگره
هفتم ، کنگره پیروزی خط مشی توده ای در جنبش دانشجویی است
دشمنان نهضت بدون شک از بن بست این کنگره فریاد شادمانی
برخواهند داشت . آنها با برداشت سطحی و ارزیابی یکجانبه
از جهات منفی ، بوجود اختلافات تکیه خواهند کرد و از آن برای
تفرقه در جنبش استفاده خواهند نمود . این فریاد شادمانی را
باید در گو خفه کرد . باید نشان داد که اگر چه وجود اختلا
ف نظره کنگره را در مورد انتخاب هیئت دبیران به بن بست کشا
نمید ، ولی درست همین بن بست است که نشان میدهد اگر دا
نشجویان خواهان اتحادی عمیق تر و اصولی تر و متکی بر رشد
کونی نهضت اند . دانشجویان دموکرات و شرقی جنبش دانشجویی
نی با تکیه بر اتحاد موجود ، مسائل مورد اختلاف خود را از راه
یک مبارزه اصولی و توده ای ، بهیئت نیل به اتحادی استوارتر و
نوین حل خواهند نمود . این جهت حرکت و رشد جنبش است
و ما بر آنیم که اگر نیروهای دانشجویی در این جهت کاپیر خواهند
داشت .

پیروز باد جنبش شرقی و دموکراتیک دانشجویی ایران
مسوق باد کسکرفوق العاده کشف راسیون
برقراریاد شعاع اتحاد ، مبارزه به پیروزی

عنوان جدید کتابت
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D' ADDA/ITALY
حساب بانکی
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY



هفتمین کنگره کفدراسیون

جنش داندشجوی ایران که در شرایط تور و اختناق داخل کشور ناچار مرکز فعالیت خود را متوجه خارج کشور نموده است، بحق بخشی جدا ناپذیر از نهضت آزاد بخش مردم میهن ماست .

کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در طول حیات خود پیوسته رشد کرده و محتوی خود را غنی تر ساخته و سازمانی مترقی تر و دموکراتیک تر گردیده است . بدون شک رشد این جنبش خالی از موانع و فعالیت آن عاری از اشتباه نبوده است ولی این اشتباهات و خطاها نبودمانند که رشد یافته اند بلکه آنچه تعیین کننده جهت حرکت جنبش داندشجوی بوده محتوی مترقی و دموکراتیک این جنبش میباشد که همواره رفتی تر گشته و در راه محو جهات منفی جنبش به پیش رفته است . این جنبش جنبشی بنا بر ماهیت مترقی و دموکراتیک خود با هرگونه پدیده ناصحیح پیکار میکند . هرگونه تعارض غیر دموکراتیک و تحمیل نظرات ناصحیح گروهی بر گروه دیگر تنها می تواند به فعالیت بخش جنبش زیان وارد آورد . سازمانهای داندشجویی و سازمانهای توده ای هستند که میباید بر گردند و هر چه بیشتر داندشجویانی شایسته که ضد رژیم استبدادی و ضد امپریالیسم هستند ملی بودن دموکراتیک بودن و توده های بودن کفدراسیون همه خصلی است که باید در درون این جنبش همواره رشد یابد و هر آنچه را که با خود ناسازگار میبیند از میان بر دارد . آنتی کونیسم یک جریان ارتجاعی ضد دموکراتیک بود توده ای است میان زمین آنتی کونیسم طبقه هراسانان ملی و دموکراتیک و توده های است . رشد آنتی کونیسمی - تواند بر محتوی جنبش سازمانهای توده های صدمه وارد آورد و آنها را در خدمت ارتجاع و امپریالیسم قرار دهد . نیروهای مترقی دانشجویی باید با هشتمین تمام از اصول و پرنسپ های نهضت دانشجویی دفاع کرده با تمایز و جریانات ناسالم مبارزه اصولی نمایند . وظیفه داندشجویان مبارز و مترقی است که جنبش پیرای داندشجویی را گرامی داشته در حفظ و استحکام آن بکوشند . ولی حفظ جنبش هرگز به معنی آن نیست که بگان آنکه مبارزه بسرای حل اختلاف نظر ها و تضاد های پدید آمده لطمه به اتحاد نیرو های داندشجویی است . همواره از کنار مسائل عمده گذشتن حفظ جنبش به معنی آنست که مسائل و مشکلات جدید درون نهضت را بر پایه اتحاد و از راه مبارزه حل کرده به سطح عالیتری از اتحاد دست یافت .

کنگره هفتم کفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی که در روزهای ۲ تا ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ شهریورماه ۱۳۴۶ در شهر فرانکفورت آلمان فدرال برگزار گردید و توانست خط مشی عمومی خود را برای سال آینده طرح بریزی و تدوین نماید . ولی این کنگره نتوانست هیئت دبیران جدیدی را برای رهبری جنبش در سال آینده انتخاب کند و کسار تعیین هیئت دبیران به کنگره فوق العاده ای که تا چهار ماه آینده تشکیل خواهد شد واگذار کردید . وجود اختلاف نظر هائیی در مسائل جنبش که در نتیجه آنها کار تعیین هیئت دبیران کفدراسیون به بن بست کشانیده شد ، در این کنگره مشهود میگردد . کنگره اظهار نظر و بحث پیشنهاد توده های داندشجویی را در واحد ها کفدراسیون برای حل مسائل مورد اختلاف در جنبش لازم داشت و بدین ترتیب یک کام بزرگ در جهت پیشبرد رصحه ۳

از ویتمام قهرمان بیا موزیم

بستن تئوری جنگ انقلابی هر روز به وسعت ضریب اعتبارش در ارتش متجاوزان آمریکا وارد میسازد ، اینک در عملیات نظامی . کلابا رود است ارتش نجات بخش ویتمام است . امپریالیسم آمریکا در کشور خود - های گوناگونی است که از رون آنرا میخورند ، آنکا رومیو ، جهان ختی بسپاری از خند بین نیز امپریالیسم آمریکا را بشدت متحکم می نمایند . امپریالیسم آمریکا بی استیلا که از لحاظ سیاسی در چار شکست شده است ، شکست تئوری از لحاظ نظامی نیز ختی است . ممکن است امپریالیسم آمریکا از روی نوسیدی جنگ را با زحمه کشورهای مبارز و بیستام گسترش دهد ولی این اقدام نیز از ارتش شکست حتی نجات نخواهد داد و اسهل است شکست و ارتسریع خواهد کرد .

ویتمام چندین زهفت سال است است می جنگ خلق قهرمان ویتمام از هموسوسه روزیونیست ها را در اشرا یکتب خاطر حفظ صلح با یاد از آزادی و استقلال چشم پوشیده و در افکند . حفظ صلح شعاری است که روزیونیسم یکبار آن را بکوشد زنده نگه داشته است اما امپریالیسم همچنان بر گردن خلق های استعمار زده میسان نگاه دارد . بیپرده نیست که زمانه امپریالیسم نیز از زاریونیست ها از حفظ صلح به ثبات مقدم ترین وظیفه سخن میزند . فاپان در جنگ صریح وی برده میگردد : " ما ندر تئوری ونده برانیک استقلال و آزادی را از صلح جدا نمیکنیم . صلح فقط از راه مبارزه حیاتی با خطر استقلال و آزادی بدست میاید . بد بحال کسانی که جز این می اندیشند . . . " . خلق قهرمان ویتمام به این حقیقت آگاهی کامل دارد که جز از راه سرکوب تنها از امپریالیسم آمریکا صلح را نمیتوان استوار و تحکیم کرد ، خلق ویتمام هرگز نوسازی امپریالیسم آمریکا سازشی که مورد علاقه روزیونیست ها است ، سازشی که ریشه های فکری امپریالیسم امپریالیسم آمریکا را همچنان در ویتمام پاشی خواهد گذاشت ، تن بر نخواهد داد زیرا امپریالیسم سازشی نفاذی و استقلال را تا بین میزند و نه ککی بحفظ صلح خواهد کرد . چنین سازشی خیانت جنگ انقلابی خلق ویت نام و خیانت به آرمان شهیدانی است که با خون خود را نثار کرده اند . خلق ویتمام در همین حال به هیچ وجهی اجازه نخواهد که بر وی یاد ریشتم سرری تصمیم بگیرد . بیچینند فاپان در ونگها چهصراحتی اظهار نظر میکند : " به معنی بیانند بشید ، به این علت است که هیچگونه سازشی ممکن نیست . موضع ما در جنگ موضعی اصولی است ما رزمه با زهره خاطر اصول است و هنگامی که سخن بر سر اصولی است این دروسه مهم است جساتی برای سازش نیست و نمیتواند باشد . " .

جنگ انقلابی خلق ویتمام با الهام بخش هم خلق های انقلابی گیتی است سرشار از آموخته های انقلابی است . هر فرد انقلابی باید از آن بیاموزد . بیاموزد برای آنکه یاد بگیرد . اما آیا قهرمانی ، ابتکار و فداکاری ، استقامت ، بر داری ، کینه عمیق به دشمن و خصائل دیگری نظیر اینها در خلق ویت نام پدید می آید ؟ استثنائی است ؟ این چنین خصا - ثلی در سرمت خلق های دیگر نیست ؟ آیا خلق کیمپو شوروی در جریان جنگ داخلی ، جنگ علیه بیچینند رصحه ۳

ویتمام چندی کساحت آن کتر از یک د همساحت کشور را جمعیت آن اندکی بیشتر از نصف جمعیت ایران است اکنون بیشتر از هفت سال است کفرای آزادی و استقلال خویشی جنگ .

خلق قهرمان ویت نام سوسه روزیونیست ها را در اشرا یکتب خاطر حفظ صلح با یاد از آزادی و استقلال چشم پوشیده و در افکند . حفظ صلح شعاری است که روزیونیسم یکبار آن را بکوشد زنده نگه داشته است اما امپریالیسم همچنان بر گردن خلق های استعمار زده میسان نگاه دارد . بیپرده نیست که زمانه امپریالیسم نیز از زاریونیست ها از حفظ صلح به ثبات مقدم ترین وظیفه سخن میزند . فاپان در جنگ صریح وی برده میگردد : " ما ندر تئوری ونده برانیک استقلال و آزادی را از صلح جدا نمیکنیم . صلح فقط از راه مبارزه حیاتی با خطر استقلال و آزادی بدست میاید . بد بحال کسانی که جز این می اندیشند . . . " . خلق قهرمان ویتمام به این حقیقت آگاهی کامل دارد که جز از راه سرکوب تنها از امپریالیسم آمریکا صلح را نمیتوان استوار و تحکیم کرد ، خلق ویتمام هرگز نوسازی امپریالیسم آمریکا سازشی که مورد علاقه روزیونیست ها است ، سازشی که ریشه های فکری امپریالیسم امپریالیسم آمریکا را همچنان در ویتمام پاشی خواهد گذاشت ، تن بر نخواهد داد زیرا امپریالیسم سازشی نفاذی و استقلال را تا بین میزند و نه ککی بحفظ صلح خواهد کرد . چنین سازشی خیانت جنگ انقلابی خلق ویت نام و خیانت به آرمان شهیدانی است که با خون خود را نثار کرده اند . خلق ویتمام در همین حال به هیچ وجهی اجازه نخواهد که بر وی یاد ریشتم سرری تصمیم بگیرد . بیچینند فاپان در ونگها چهصراحتی اظهار نظر میکند : " به معنی بیانند بشید ، به این علت است که هیچگونه سازشی ممکن نیست . موضع ما در جنگ موضعی اصولی است ما رزمه با زهره خاطر اصول است و هنگامی که سخن بر سر اصولی است این دروسه مهم است جساتی برای سازش نیست و نمیتواند باشد . " .

جنگ انقلابی خلق ویتمام با الهام بخش هم خلق های انقلابی گیتی است سرشار از آموخته های انقلابی است . هر فرد انقلابی باید از آن بیاموزد . بیاموزد برای آنکه یاد بگیرد . اما آیا قهرمانی ، ابتکار و فداکاری ، استقامت ، بر داری ، کینه عمیق به دشمن و خصائل دیگری نظیر اینها در خلق ویت نام پدید می آید ؟ استثنائی است ؟ این چنین خصا - ثلی در سرمت خلق های دیگر نیست ؟ آیا خلق کیمپو شوروی در جریان جنگ داخلی ، جنگ علیه بیچینند رصحه ۳

خلق ویتمام پیش از هفت سال است که جنگ هفت سال زمان کوتاهی نیست آن هفت سال جنگ هولناک همرا با محاسنات و مبروریت های فراوان جنگ بوده های ناچار جنگی طولانی است . تصور آن کافی است که گویونیست ها " عاشق روزیونیست ها و از آن قیمت را به نام امپریالیسم بکشند . اما خلق قهرمان ویتمام چه خوب میدانند که استقلال و آزادی آسان یک نمایا بدید برای آن جنگید ، محرومیت کشیده قربانی داد باید جنگ را هراند از محطول انجامد تا نابودی کامل دشمن و روزیونیست های همچنان در نبال کرد . فاپان در ونگ نخست وزیر جمهوری دموکراتیک ویتمام در مصاحبه خود با یک روزنامه فرانسوی پس از آنکه اندیشه هرگونه سازشی را با دشمن خود خوار و برده میداند میگوید : " ما محطول هفت هفت هفت در صورت جنگ طولانی خواهد بود و بدین شکل منقذ با رتبه و جاهیت دارد ، خلق ما این جنگ را هراند از محطول بکشد و هراند از گران تمام شود تا پیروزی نهایی آنرا خواهد داد . "

خلق قهرمان ویتمام چندی از جنگ انقلابی علیه دولت دست نشانده ننگوین در پیروزی پشمالی او چندی در هزار ستار آمریکا بگای برخلاف موعظه روزیونیست ها در انتظار کمک و اسلحه دیگران نشست و با یکار خود را بر اصل تکبیر تئوری خویش گذاشت . با اینکار خود سلاحهای آنرا که کعبه نیست در اختیار روی گذاشت و آنچه که خود او میتوانست فراهم آورد فراهم آورد و با همین سلاحها توانست اندک اندک ولی بلا انتفاع قنایب قوا را بسود خویش تغییر دهد . اکنون نزدیک مسال است که در کنار ارتش پشمالی دولت دست نشانده هیئت ناچونیس پانیرونده ترین دولت جهان با بیش از نیم میلیون سوزا زین دولت چه برنده ترین سلاحها با ناوگان هفت آن با ارتش های دول افغان (ان) استرالیا زلاند جدید کره نوی فیلیپین تایلند و حتی واحد هائی از انگلستان) می جنگ . خلق ویتمام چه خوب میدانند برای چه جنگ و حقانیت پیکار خویش ایمان دارد او بخوبی میداند که بدون در هم شکستن تجاوز امپریالیسم آمریکا نبل به استقلال و آزادی سختی بچ و خنالی است ، او در رستق در ریافت است که آزادی و استقلال آسان بدست نیاید ، از اینرو هر روزیونیست ها ، منوری و روحیه مبارزه جوشی او استقامت و جدانازی او فزونی میگیرد و روحیه سوزا زان دشمن بر عکس روحیه میزند ، آنها نمیدانند برای چه ویتمامی جنگید ، برای چه باید جان خود را در مبارزه با خلق صلح جوی ویتمامی بکشد . از اینرو است که فاسفرا سوزا زان در چهصرتی و عشق جبهه امیکند ، در خود آمریکا و کشورهای دیگر مبارزه با اعزاز جوانان به ویتمام ، انهمو . میترقی خود میگیرد . ارتش که به حقانیت مبارزه خود مؤمن می باشد در روحیه اش ضعف و ترور رخنه میکند و همین ضعف روحیه او را از پای در میآورد . ویتمام پیکار

روزنامه ویتنام

روزنامه توقان در پیشرفت خود بیاری همه رفقا که همه مارکسیست ها - لنینیست ها و همه انقلابیون ایران نیازمند است . به روزنامه ما بنظر رفیقا و منتقدانه بنگرید . انتقادات و پیشنهاد های خود را با ما در میان بگذارید . آنها را بدون ذکر نام و با نام مستعار یا در توقان ارسال دارید و یا از طریق دیگر ما برسانید .

رفقا و دوستان !

روزنامه توقان با تکبیر نیروی خود برپاست . انتشار هر شماره این روزنامه با دشواریهای فراوان روبروست . هر کک مادی شما قدمی در راه تقویت توقان است . از هر ککی هر قدر کوچک باشد خود داری تئوری . متاسفانه بعلمت وضع خاص توقان اخذ آهونه و اعانه از طریق خاصی میسر نیست . مبلغ آموختن و اعانه خود وسایر رفقا و دوستان را مستقیما به حساب بانکی توقان بریزید و با از طریق دیگر ما برسانید . بهای تک شماره توقان در ایران ۲ ریال در ترکیه معادل ۲ ریال و در سایر کشورهای معادل ۲ ریال است . بهای اشتراك سالانه توقان معادل ۱۰ ریال است .

اکنون که رهبری حزب توده ایران در دوش ظفر بخش مارکسیسم - لنینیسم را بر زمین افکند است آنرا سرسلسلند تر بر افرازیم و وحدت کلیه نیروهای مارکسیستی - لنینیستی را بنظور احیا . حزب طبقه کارگر ایران وجهه همت خود سازیم . جنبش انقلابی مسلح دهقانان ایران را که نیروی عمده انقلابیاند و جبهه وسیع کلیه طبقات و قشرها و شخصتهای دموکراتیک ایران را تحت رهبری طبقه کارگر بیکرانه و صبورانه تدارک ببینیم . قهر ضد انقلابی رژیم محمد رضا شاه حامیان امپریالیست و روزیونیست او را با قهر انقلابی در هم شکنیم . از طرح " پلانت میروم و غوری مارکسیست ها - لنینیست های ایران "